اوستـــــای کشتـــــی

(موبد کامران جمشیدی)

خْشْنَئوثْرَ. اَهورَهِ . مَزداو ...

هومَتَ . هوخْتَ . هوَرْشْتَ . یَزَمَئیدِه ...

مَنِشنی و گُوِشنی و کُنِشنی، تنی و روانی، گیتی و مینو، اَژِشِ هَمَه گونَه وَناهی اَواخش و پَشیمان، پِه پَتِت هُم.

شکسته اهریمن باد (۳ بار) **

رَزِشتیا . چیستیا . مَزدَه داتیا . اَشَئوْنیا . دِئِنَیاو . وَنْگْهوْیا . مازْدَیَسنوایش ...

اَت . وِ . ستَئوتا . اَئوجائی . مَزدا . اَنْگْهاچا .

یَوَت . اَشا . تَواچا . ایسائی چا .

داتا . اَنْگهِه اوش . اَرِدَت . وُهو . مَنَنگْها .

هَیی تیا . وَرْشْتام . هیَت . وَسنا . فْرَشوْتِمِم ...

ستَئومی . اَشِم ... اَشِم . وُهو . وَهیشتِم . اَستی... اوشْتا . اَستی... اوشتا . اَهمائی . هیَت . اَشایی . وَهیشْتائی . اَشِـم...

یَتا . اَهو . وَئیریوُ ... آتا . رَتوش . اَشات چیت . هَچا...

وَنْگهِ-اوش . دَزدا . مَننگهوُ . شْیَئوُ تَننام . اَنْگهِ-اوش . مَزدائی...

خْـشَتْـرِمچا . اَهورائی . آ... ییم . دریگوُ بیوُ . دَدَت . واستارِم (۲ بار)

اَشِم . وُهو . وَهیشتِم . اَستی... اوشْتا . اَستی... اوشتا . اَهمائی . هیَت . اَشایی .

وَهیشْتائی . اَشِـم ... (۱ بار)

به خشنودی اهورامزدا

اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک را می ستایم

از هر دروغ و ناشایستی که از اندیشه و گفتار و کردار من، از تن و روان مـن و در گیتی و مینوی من سر زده، پشیمانم و باز می گردم.

شکسته باد دروغ و بداندیشی (۳ بار)

من اکنون بر این باورم که راست ترین دانش مزدا داده دین نیک و پاک زرتشتی است.

ای برترین خرد، من ستایشگر تو بوده و تا توان دارم به تو پیوسته خواهم بود

و همواره نیک منشی را خواهانم تا کارهایم راست و درست باشند،

زیرا این راستکرداری است

که جهان را همواره نو کرده و به پیش می برد.

می‌ستایم راستی را . راستی بهترین نیکی است. خرسندی است.

خرسندی برای کسی که راستی را برای بهترین راستی بخواهد.

(هنجاری که بر جهان هستی فرمان می راند زندگی و سرشت مردمان را زیر فرمان دارد. منش نیک از آن کسی است که از هنجار هستی پیروی کند و توانایی راستین را کسی دارد که بر خواستهای ناهنجارش چیره باشد)

همانگونه که رهبر دنیوی را تنها از روی راستی اش برمی گزینیم، به همانگونه رهبر دینی را از برای راستی اش می پسندیم.

اندیشه نیک بر همه ارزانی باد، تا کارهای زندگانی از روی خرد و بنام مزدا سامان یابند.

توانایی راستین را کسی دارد که نیاز ستمدیدگان را برآورده سازد. (۲ بار)

راستی بهترین نیکی است. خرسندی است.

خرسندی برای کسی که راستی را برای بهترین راستی بخواهد. (۱ بار)

مَزْدَیَسنو . اَهمی .

مَزدَیَسنو . زَرَتوشْتریش . فْرَوَرانهِ . آستوتَسچا . فْرَوَرِتَسچا ...

آستویِه . هومَتِم . مَنوْ .

آستویه . هوخْتِم . وَچوْ .

آستویه . هْوَرْشْتِم . شْیَئوُتَنِم .

آستویه . دَئِنام . وَنْگوهیم . مازْدَیَسنیم ...

فْرَسپایَئوْ . خِذْرام . نیذاسنِئی . تیشِم . خَئِت وَدَتام . اَشَئوْنیم ...

یاهایی . تینامچا . بوشْ یِه ئین . تینامچا .

مزیشْتاچا . وَهیشْتاچا . سرَئِشتاچا . یا . آهوئیریش . زَرَتوشْتْریش ...

اَهورائی . مَزدائی . ویسپا . وُهو . چینَهمی ...

اَئِشا . اَستی . دَئِنَیاو . مازدَیَسنوُئیش . آستو ایتیش ...

جَسَ . مِ . اَوَنْگْهِ . مَزدا ... (۳ بار خواندن)

اشم وهو (۱)

مزدا پرستم

برمی گزینم که مزدا پرست زرتشتی باشم، با ستایش ها و باورها.

اندیشه نیک را می ستایم

گفتار نیک را می ستایم

کردار نیک را می ستایم.

دین بهی مزداپرستی را می ستایم

که آزادی، آزادگی و آشتی می آورد

و انسان را با خویشتن و سامان هستی یگانه می سازد.

که (برای من) از دین هایی که هستند و خواهند بود

برترین و بهترین و زیباترین است.

که اهورایی است و زرتشتی.

اهورامزدا، خدای دانا را، بنیان همه نیکی ها می دانم.

این است ستایش دین مزداپرستی.

به یاری من بیا ای اهورامزدا (۳ بار)

راستی بهترین نیکی است. خرسندی است.

خرسندی برای کسی که راستی را برای بهترین راستی بخواهد.

هَمازور بیم . هَما زورِ هَما اشو بیم . هما زورِ ویشْ کرفِه بیم . هم کرفهِ یِ کِرفِه کاران بیم . دور از وَناه و وَناه کاران بیم . هم کِرفِه یِ بَستِه کشتیان و نیکان و وَهانِ هفت کشور زمین بیم ...

اَتَه جَمیات یَتَه آفرینامی.

بشود که همگی هم پیوند باشیم. با همه اشوان و نیکان هم پیوند باشیم.

در انجام دادن کار نیک هم پیوند باشیم. با نیکوکاران در کردن کار نیک همگام باشیم. از کارهای ناپسند و نادرست دوری جوییم و با همه بسته کشتیان (زرتشتیان) و خوبان همه سرزمین ها همگام باشیم.

چنین باد که ما خواهانیم.

اشم وهو (۱)

پیروز باد خَروهِ اَویژَه وَهدینِ مازدَیَسنان (3)

پیروز باد دین نیک و با شکوه مزدیسنی

اشم وهو (۱)

پِه اورمزد و امشاسپندان کامه باد ...

ایدون باد . ایدون ترج باد.

اشم وهو (۱)

**

گزارش:

بخشی که در میان نشانه های { }جای گرفته است تنها در هنگام آیین سدره پوشی بر زبان آورده می شود و بدان آرش است که گرونده از هر آنچه تا کنون در زندگی از او سرزده که زیانبار بوده و از کنش بدانها ناخرسند می باشد، ابراز پشیمانی می کند و می خواهد که از اینگونه اندیشه، گفتار و کردار دور شده و دیگر به راه راستی برود. سپس نیز خواستار شکست و دورافکندن دروغ و بداندیشی می شود.

البته ای بدان آرش نیست که از انسان (که همواره در کار فراگیری از زندگی است) دیگر هرگز کاری سر نخواهد زد که وجدان آگاه او از ناشایسته بودنش آگاه نباشد. اگر چنین شد و بهدین خواست که در هنگام نیایش، از آن کنش در پیش وجدان آگاه خود یاد کرده و با پذیرش کامل آن، از آن ابراز پشیمانی کند و دوری بجوید، می تواند به نمونهٔ یک ابزار، از این بخش دوباره بهره گیرد.

یادمان باشد که تنها ابراز کلامی از پذیرش و پشیمانی بسنده نیست و اگر در پی کنش ما زیانی به چیزی یا کسی رسیده است بایست که آن را به شیوهٔ خردمندانه جبران نماییم.